

## A Critique of Judgments Rendered by the Iranian Civil Courts from the Perspective of General Principles Governing E-Commerce Law

 **Mohsen Sadeghi**

Assistant Professor, Faculty of Law, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.  
sadeghilaw@ut.ac.ir



### Abstract

Like other legal fields and institutions, e-commerce law is subject to a set of general principles. In addition to their undeniable roles, these principles have the advantage of being an indicator of critique and analysis of a judgment based on its compliance with the aforementioned principles. Since, despite the existence of significant works in the field of e-commerce law, the general principles governing it have not yet been identified and examined in detail in our legal literature, and its position in court judgments has not been criticized and analyzed, the present article is innovative in two respects.

Using library tools and referring to some civil judgments rendered by Iranian law courts (50 civil judgments), this article, by the qualitative method and use of the descriptive-analytical approach, attempts to answer the question as to what degree the above-mentioned principles are adhered to in judgments made by Iranian law courts. The hypothesis of this research is that the issuance of numerous judgments contrary to the aforementioned

Journal of Critical Analysis of  
Judicial Decisions

Iranian Law and Legal Research  
Institute

Vol. 4 | No. 8 | Fall 2025 Winter  
2026  
(Original Article)

[www.Analysis.illrc.ac.ir](http://www.Analysis.illrc.ac.ir)

DOI:  
10.22034/analysis.2025.2076273.1136

principles (in 88 percent of the judgments studied) indicates that these principles do not occupy a prominent position in Iranian judicial precedent. This article, in four sections, introduces four important general principles governing e-commerce law and presents a sample judgment from Iranian legal courts for each principle and criticizes it. In conclusion, clear and practical solutions are suggested to groups benefiting from the research results.

**Keywords:** general legal principles, e-commerce law, Electronic Commerce Act, judgments rendered by Iranian civil courts



## نقدی بر آراء دادگاههای حقوقی ایران از منظر برخی اصول کلی حاکم بر حقوق تجارت الکترونیک

محسن صادقی 

دانشیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشکده حقوق و علوم سیاسی  
دانشگاه تهران، تهران، ایران

sadeghilaw@ut.ac.ir



### چکیده

حقوق تجارت الکترونیک همانند سایر حوزه ها و نهادهای حقوقی، تابع یک سلسله اصول کلی است. این اصول در کنار نقشهای غیرقابل انکار خود، دارای این مزیت هستند که می توانند شاخص نقد و تحلیل یک رای قضایی بر اساس میزان انطباق آن با اصول مذکور محسوب شوند. از آن جا که در ادبیات حقوقی ما به رغم وجود آثار قابل توجه در حوزه حقوق تجارت الکترونیک، تاکنون اصول کلی حاکم بر آن به طور منقح شناسایی و بررسی نشده و جایگاه آن در آراء محاکم مورد نقد و تحلیل قرار نگرفته است، لذا مقاله پیش رو از این دو جهت، نوآورانه است.

این نوشته، با روش کیفی و رویکرد توصیفی-تحلیلی و با بهره گیری از ابزار کتابخانه‌ای و مراجعه به برخی آراء محاکم حقوقی ایران (۵۰ رای حقوقی)، سعی در پاسخ به این پرسش دارد که جایگاه اصول مورد بحث در آراء محاکم حقوقی ایران تا چه اندازه است؟ فرضیه این پژوهش آن است که صدور آراء متعدد برخلاف

دوفصلنامه نقد و تحلیل آراء قضایی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۴ | شماره ۸ | پاییز و زمستان ۱۴۰۴  
(مقاله پژوهشی)

[www.analysis.illrc.ac.ir](http://www.analysis.illrc.ac.ir)

DOI:

10.22034/analysis.2025.2076273.1136

اصول مزبور (در ۸۸ درصد آراء مورد مطالعه)، نشان‌گر این است که این اصول جایگاه چندانی در رویه قضایی ایران ندارند. این مقاله در قالب چهار بخش، به معرفی چهار اصل کلی مهم حاکم بر حقوق تجارت الکترونیک پرداخته و برای هر اصل نمونه رای‌ی از دادگاه‌های حقوقی ایران ذکر و مورد نقد قرار می‌دهد. در پایان نیز راهکارهای روشن و کاربردی به گروه‌های بهره‌بردار از نتایج تحقیق پیشنهاد می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** اصول کلی حقوقی، حقوق تجارت الکترونیک، قانون تجارت الکترونیکی، آرای محاکم حقوقی ایران



## مقدمه

نهادهای حقوقی نظیر حقوق قراردادها، مسؤولیت مدنی، آیین دادرسی مدنی و نیز رشته‌های حقوقی نظیر حقوق خصوصی، کیفری، عمومی و بین الملل، همگی تابع یک سلسله اصول کلی حقوقی<sup>۱</sup> هستند. منظور از این اصول، قواعد بسیار کلی است که در نظامهای حقوقی مختلف، مشترک بوده و بر نهادهای حقوقی حاکم هستند به گونه‌ای از دل آنها، قواعد جزئی تر استخراج می‌شود. بنابراین تفاوت بنیادین اصل حقوقی<sup>۲</sup> با قاعده حقوقی<sup>۳</sup> آن است که قاعده حقوقی هر چند خود، کلی است اما چون برگرفته از یک اصل حقوقی است و هر اصل حقوقی به چند قاعده حقوقی منتج می‌شود، لذا کلیتش، کمتر از اصل حقوقی است. برای مثال، اصل حسن نیت یک اصل کلی حقوقی پذیرفته شده در نظامهای حقوقی گوناگون است. از این اصل، چند قاعده حقوقی جزئی تر نظیر قاعده عدم توجه ایرادات اسناد تجارتي در برابر دارنده با حسن نیت یا قاعده منع تدلیس در معاملات استخراج می‌شود. دو قاعده مزبور، هر چند کلی است و ناظر به هر سند تجارتي و هر معامله‌ای می‌شود، اما از این حیث، جزئی تر از اصل حسن نیت هستند که اصل حسن نیت در حوزه های مختلف حقوق اعمال می‌شود ولی دو قاعده بالا، محدود به ایرادات در برابر دارنده‌ی سند تجارتي و تدلیس در معاملات است (صادقی: ۱۳۹۴، ۸ به بعد). با عنایت به توضیح بالا باید گفت: تعریفی که یکی از نویسندگان از اصول حقوقی تجارت الکترونیک ارائه کرده و آن را قواعد عمومی حاکم بر قراردادهای الکترونیک دانسته است (نوری: ۱۳۸۴، ۱۰۷-۱۳۰)، از دو جهت قابل نقد به نظر می‌رسد: نخست این که اصول حقوقی را نباید با قواعد عمومی مترادف دانست دوم این که اصول حقوقی تجارت الکترونیک، منحصر به حوزه قراردادهای الکترونیک نیست بلکه در تمامی حوزه‌ها مانند مسؤولیت مدنی، حقوق تجارت، آیین دادرسی مدنی، حقوق کیفری، رمزارزها، مالکیت فکری، حقوق مالی الکترونیک، قابل اعمال است. بر این اساس می‌توان این تعریف را از اصول کلی حقوقی حاکم بر تجارت الکترونیک پیشنهاد داد: «مجموعه اصلهای مشترک

<sup>۱</sup> General Principles of Law.

<sup>۲</sup> - Principle of Law.

<sup>۳</sup> - Rule of Law.

در نظامهای حقوقی مختلف که از دل آن، چند قاعده حقوقی استخراج می‌شود و این اصول بر روابط قراردادی و غیرقراردادی محیط الکترونیک قابل اعمال است.»

اصول کلی حقوقی - که گاه به صورت نوشته در قانون مورد تصریح قرار گرفته است (مانند اصل برائت) و گاه نانوشته بوده و از روح قانون می‌توان بدان پی برد (مثل اصل انصاف) - دارای نقشهای غیرقابل انکاری در حقوق هستند: نخست این که این اصول، الگوی قانون‌گذار در وضع قانون به شمار می‌آیند و باعث می‌شوند تا قانون‌گذار، قواعد حقوقی مندرج در مواد قانونی را منطبق با اصول وضع کند تا قانون موضوعه، با اصول حقوقی متعارض نباشد زیرا نیک می‌داند که قانون مغایر اصول کلی ممکن است در همان مرحله وضع محکوم به شکست باشد و عملاً اجرا نشود؛ همچنین این اصول، قانون‌گذار را از وضع قوانین یا قواعد حقوقی متعارض باز می‌دارد؛ دوم این که اصول مزبور یک منبع بی‌بدیل برای مفسر قانون اعم از قضات یا حقوق دانان به شمار می‌آید که به ایشان کمک می‌کند تا تفسیری شایسته از قانون ارائه دهند و در مواردی که با سکوت یا ابهام یا اجمال یا تعارض قوانین روبه‌رو می‌شوند، اقدام به تفسیر یا تکمیل قانون با کمک اصول کلی حقوقی کنند؛ سوم این که این اصول، می‌توانند منبعی قابل اتکا برای ایجاد عرفهای حقوقی نوین باشند و نیز به محققان کمک می‌کند تا در تعارض نظرهای فقها و حقوق دانان، سنجه‌ای برای انتخاب نظر برتر در اختیار داشته باشند؛ چهارم این که اصول مزبور به تنظیم‌کنندگان قراردادهای یاری می‌رساند تا مواد قراردادی را منطبق با اصول حقوق تنظیم کنند و چون نمی‌توان همه موارد را در قرارداد پیش بینی کرد، یک سلسله اصول کلی را به عنوان چراغ راهنما در ابتدای قرارداد بگنجانند تا در صورت سکوت قرارداد یا تعارض در مواد آن یا اختلاف در تفسیر مفاد عقد، متعاقدين یا داور یا مرجع رسیدگی را به نتیجه مناسب و متناسب رهنمون کند؛ و بالاخره پنجم این که اصول حقوقی می‌تواند نقش یک شاخص قابل اعتنا جهت نقد آراء قضایی یا انتخاب رای مناسب‌تر در فرض تعارض آرا ایفا کند؛ همچنان که در مقاله حاضر کوشیده‌ایم تا بر اساس این شاخص، چند رای از محاکم حقوقی را مورد نقد و تحلیل قرار دهیم.

اما توجه به نقش اصول حقوقی در حوزه حقوق تجارت الکترونیک، علاوه بر مزایای فوق، از یک جهت ویژه دارای اهمیت است چرا که این حوزه، بشدت پویاست و هر روز شاهد

پیدایش پدیده‌های نوین یا تحولات جدید هستیم لذا اگر قانون‌گذار بخواهد هر روز متناسب با این تحولات، مواد قانونی و قواعد حقوقی جدیدی وضع یا قوانین موجود را اصلاح یا تکمیل کند، توفیقی نخواهد داشت زیرا این امر نه مقدور است؛ نه با تحلیل اقتصادی قانون‌گذاری همخوانی دارد و نه با رویه متعارف تقنین سازگار است. در این جاست که وجود اصول کلی حقوقی می‌تواند بسیار موثر باشد زیرا کمک می‌کند که قاضی و داور در مقام حل اختلاف و حقوق‌دان و مفسرین در مقام تفسیر قانون یا ارائه دکرترین و مخاطبان قانون در مقام فهم غرض مقنن، قانون را با تحولات جدید فناوری همراه و همسو کرده و کاری کنند تا قانون همچنین به نقش اصلی خود یعنی رفع نیازهای روز مردم ادامه دهد و قانون بسرعت به موجودی متروک و عقب مانده از نیازهای روزمره بدل نشود. همچنین آرای قضایی ضمن انطباق با موازین قانونی، باید متناسب با نیازهای خاص مردم در فضای مجازی بوده و در مواردی که ظرفیت قانون، اجازه تفسیر مواد و توجه به عرفها و اقتضائات خاص تجارت الکترونیک می‌دهد، از اصول حقوقی جاری در این حوزه بهره ببرد.

در حقوق ایران به‌رغم تالیف و ترجمه آثار حقوقی بسیار باارزش در زمینه حقوق تجارت الکترونیک<sup>۱</sup>، این اصول کلی شناسایی و معرفی نشده‌اند؛ در مقاله «اصول حقوقی تجارت الکترونیک با تاکید بر قانون تجارت الکترونیک ایران» تالیف دکتر سیدمسعود نوری نیز، هرچند پنج مورد تحت عنوان اصول حقوقی مورد اشاره قرار گرفته‌اند اما بسیاری از این موارد (نظیر اصل اختیار فسخ معامله از راه دور ظرف هفت روز یا اصل اعتبار امضای الکترونیکی یا اصل اعتبار نظریه وصول در قراردادهای الکترونیکی)، در واقع قاعده حقوقی هستند نه اصل حقوقی؛ ضمن این که در مقاله مورد اشاره، میزان توجه آراء قضایی ایران به این اصول، مورد نقد و تحلیل قرار نگرفته است؛ لذا مقاله پیش رو نسبت به ادبیات موجود در حقوق ایران، از این دو منظر، نوآورانه محسوب می‌شود. تحقیق حاضر با روش کیفی و با بهره‌گیری از ابزار کتابخانه‌ای ضمن مطالعه ۵۰ رای حقوقی مرتبط صادره از

<sup>۱</sup> - نظیر کتاب حقوق تجارت الکترونیک تالیف مرحوم دکتر امیر صادقی نشاط؛ کتاب حقوق تجارت الکترونیک تالیف دکتر ستارزر کلام؛ کتاب حقوق تجارت الکترونیک تالیف دکتر مصطفی‌السان؛ کتاب حقوق تجارت الکترونیک تالیف آقای محمدعلی نوری.

محاكم حقوقی تهران و شهرستانها، درصدد پاسخ به این پرسش برآمده است که اصول حقوق تجارت الکترونیک تا چه در آراء محاكم حقوقی ایران نقش و جایگاه دارند؟ فرضیه این نوشتار آن است که با عنایت به مغایرت ۴۴ رای از ۵۰ رای مورد مطالعه با اصول مورد بحث (۸۸ درصد آراء مطالعه شده) و با کمک استقرا می‌توان مدعی شد که اصول حقوقی حاکم بر تجارت الکترونیک به دلایلی چون بی‌اطلاعی، کم‌اطلاعی، بی‌توجهی یا کم‌توجهی، جایگاه چندانی در آراء قضایی ایران ندارد و این موضوع باعث صدور آراء حقوقی شده که بعضاً با عرفها و اقتضائات خاص محیط الکترونیک، ناسازگار است بخصوص این که در تعداد زیادی از آراء مطالعه شده، هیچ مستندی از قانون خاص یعنی قانون تجارت الکترونیک یا مقررات مرتبط با این محیط دیده نمی‌شود در حالی که در مقررات خاص، دارای حکم ویژه بوده‌ایم.

این مقاله در قالب چهار بخش، به معرفی چهار اصل کلی مهم حاکم بر حقوق تجارت الکترونیک پرداخته و برای هر اصل یک نمونه رای از دادگاههای حقوقی ایران ذکر و مورد نقد قرار می‌دهد. در پایان نیز راهکارهای روشن و کاربردی به گروههای بهره‌بردار از نتایج تحقیق پیشنهاد می‌شود. باین حال پیش از ورود به مقاله، ذکر چند نکته در خصوص گستره مقاله حاضر ضروری است: نخست این که ذکر تمامی اصول حاکم بر حقوق تجارت الکترونیک، بسیار فراتر از ظرفیت یک مقاله است لذا سعی شده تا به برخی از مصادیق مهم اصول مزبور که برخی آراء محاكم حقوقی ایران مرتبط با آنها است پرداخته شود؛ دوم این که قلمرو این تحقیق محدود به حقوق ایران است و شامل مطالعه تطبیقی نمی‌شود؛ سوم آن که هرچند آرای کیفری و داوری متعددی نیز در زمینه تجارت الکترونیک صادر شده است اما به منظور رعایت محدودیت تعداد صفحات مقاله، تنها آرای دادگاههای حقوقی ایران مورد توجه این پژوهش است. چهارم این که به دلیل محدودیت حجمی مذکور، امکان اشاره و استناد به ۵۰ رای مطالعه شده وجود نداشت لذا به عنوان نمونه، به ذکر و نقد چند رای حقوقی مرتبط بسنده شده است؛ پنجم آن که هرچند عنوان تجارت الکترونیک، ناظر به فعالیتهای تجارتي محیط مجازی است اما از آن جا که قانون‌گذار ما در ماده ۱ قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲، اصطلاح تجارت الکترونیک را ناظر به اصول و قاعد حاکم بر مبادله آسان و ایمن اطلاعات در واسطه‌های الکترونیک با استفاده

از سیستمهای ارتباطی جدید دانسته و به نوعی حقوق تجارت الکترونیک را مترادف با حقوق فناوری اطلاعات به کار برده است، لذا در مقاله حاضر نیز عبارت تجارت الکترونیک، محدود به امور تجارتي الکترونیک نیست.

### بخش نخست) اصل برابری فنی یا کاربردی: همراه با نقد رای

منظور از اصل برابری فنی یا کاربردی آن است که اسناد و نوشته های الکترونیک و ملحقات آن، دارای همان کاربرد و ارزش فنی هستند که اسناد و نوشته ها و امضاءهای کاغذی دارند و هیچ مرجعی از جمله دادگاه نمی تواند به دلیل شکل الکترونیک این اسناد و امضاءهای آنها را غیرمعتبر یا غیرقابل استناد دانسته یا ارزشی کمتری برای آنها نسبت به اسناد و امضات سنتی و کاغذی قایل شود.

فلسفه وضع این اصل آن بوده است که برای گسترش تجارت الکترونیک در کشور، قانون گذار باید این اطمینان حقوقی را به صاحبان کسب و کار و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی درگیر با این محیط بدهد که کلیه امضات و اسناد تولیدی این محیط، دارای همان اعتبار و ارزش حقوقی اسناد کاغذی است (Rothchild: 2016, 10 and seq)؛ طبیعتاً اگر قانون گذار کشوری برخلاف این اصل، اقدام به قاعده گذاری کند عملاً تجارت الکترونیک گسترش نمی یابد زیرا اشخاص ترجیح می دهند به جای ریسک حقوقی، همچنان از محیط سنتی و اسناد کاغذی بهره ببرند تا در صورت مواجه شدن با دعوی احتمالی، دست بالاتر را در دعوا داشته باشند.

اصل برابری فنی یا کاربردی، -هرچند نه با این عنوان بلکه به صورت مفهومی و اثری- مورد توجه قانون گذار ما قرار گرفته است. مطابق ماده ۶ قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲: «هرگاه وجود یک نوشته از نظر قانون لازم باشد، «داده پیام»<sup>۱</sup> در حکم نوشته است....» همچنین بر اساس ماده ۷: «هرگاه قانون، وجود امضا را لازم بداند امضای الکترونیکی مکفی است». ماده ۱۲ قانون ما را ذکر نیز اشعار می دارد: «اسناد و ادله اثبات دعوا ممکن است به صورت داده پیام بوده و در هیچ محکمه یا اداره دولتی نمی توان

<sup>۱</sup> -مطابق بند الف ماده ۲ قانون مزبور، منظور از داده پیام، «هرنمادی از واقعه، اطلاعات یا مفهوم است که با وسایل الکترونیکی، نوری و یا فناوری های جدید اطلاعات تولید، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش می شود.

بر اساس قواعد ادله موجود، ارزش اثباتی «داده پیام» را صرفاً به دلیل شکل و قالب آن رد کرد.

علاوه بر قانون تجارت الکترونیکی، قانون گذار کشور ما در برخی مقررات دیگر نیز اثر اصل برابری فنی و کاربردی را در بعضی حوزه ها پذیرفته است. برای نمونه، در ماده ۳ آیین نامه نحوه استفاده از سامانه های رایانه ای یا مخابراتی مصوب ۱۳۹۵ مقرر شده است: «صورت یا محتوای الکترونیکی اسناد و اوراق قضایی، ابلاغ، ارجاع پرونده، احضار متهم، نیابت قضایی، نشر آگهی، امضا و اثرانگشت، گواهی مطابقت با اصل، تراکنشهای مالی، نشانی و مانند آن، کافی و معتبر است و در کلیه مراحل تحقیق، رسیدگی و اجرا اعم از حقوقی و کیفری، نمی توان صرفاً به لحاظ شکل یا نحوه تبادل اطلاعات الکترونیکی از اعتبار بخشیدن به آثار قانونی آن خودداری کرد». جای گزین شدن قراردادهای الکترونیک وکالت به جای وکالتنامه های سنتی کاغذی و اعتبار بخشی محاکم بر وکالتنامه های نوین نیز در راستای اصل فوق است چرا که قراردادهای وکالت الکترونیک در کنار قواعد اختصاصی خود، تابع عمومات راجع به صحت و ماهیت وکالتی آن هستند (درویش زاده: ۱۴۰۴، ۹۰-۱۱۴). مصداق دیگر پذیرش اصل برابری فنی را می توان در حوزه چک الکترونیک مشاهده کرد به نحوی که قانون گذار در تبصره ماده ۱ قانون صدور چک الحاقی ۱۳-۰۸-۱۳۹۷ بر اساس اصل فوق مقرر می دارد: «قوانین و مقررات مرتبط با چک حسب مورد، راجع به چکهایی که به شکل الکترونیکی (داده پیام) صادر می شوند نیز لازم الرعایه است...»

به رغم وجود محملهای قانونی فوق، گاه با برخی آراء حقوقی روبرو می شویم که مغایر اصل مزبور است یا بعضاً شاهد ارائه تفاسیر نادرست از قانون تجارت الکترونیکی هستیم که ناشی از بی اطلاعی یا کم اطلاعی نسبت به اصول حاکم بر حقوق تجارت الکترونیک بوده و این امر، بر نتیجه دعوا، اثر منفی گذارده است همچنان که برخی نویسندگان گفته اند: تفسیر از قوانین، می تواند نتیجه دعوا را رقم بزند (رفیعی، سعادتی چشمقان: ۱۴۰۳، ۱۳۰-۱۰۰). در زیر، به دو نمونه از این آرا اشاره می شود تا چالش فوق، بهتر تبیین شود: پرونده نخست، مربوط به دعوی شرکت د. ز علیه شرکت م به خواسته جبران خسارت ناشی از نقض حقوق اختراع ثبت شده در خصوص یک دستگاه آب شیرین کن است که

طی آن، خواهان با استناد به ورقه اختراع خود و با ارائه مدارکی دال بر تولید بدون اجازه ی دستگاه موضوع ورقه توسط خواننده، خواستار توقف تولید توسط خواننده و الزام وی به پرداخت خسارت شد. شرکت خواننده در مقام دفاع، اقدام به طرح دعوی تقابلی با خواسته ابطال ورقه اختراع کرده است با این استدلال که یکی از اوصاف اختراع قابل ثبت مطابق قانون ثبت اختراع، طرحهای صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶، جدید بودن است و اختراع زمانی جدید است که پیش از این افشا نشده باشد در حالی که طبق مدارک منضم دادخواست تقابلی، سالها قبل از ثبت ورقه اختراع، مقالات خارجی متعددی در خصوص همین دستگاه و فرایند ساخت و عملکرد آن، در نشریات الکترونیکی چند کشور خارجی منتشر شده است. باین حال شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران به موجب دادنامه مورخ ۱۳۹۱/۲/۵ دعوی تقابلی را وارد ندانست با این استدلال که «ادله استنادی مشارالیه در خصوص جدید نبودن و افشاشدن پیشین اختراع قبل از صدور ورقه اختراع، صرفاً نشریات الکترونیکی خارجی است که اعتبار آن از سوی دادگاه مورد اتقان نیست و چون خواهان تقابلی، اقدام به ارائه دلیل یا اسناد کاغذی دال بر افشای اختراع نکرده است لذا نشریات الکترونیکی مورد استناد خواهان از عداد دلایل خارجی می شود.....»

چنان که ملاحظه می شود، رای دادگاه کاملاً برخلاف اصل برابری فنی و مغایر با مواد ذکر شده از قانون تجارت الکترونیکی است؛ ضمن این که امروزه بسیاری از نشریات داخلی و خارجی، دیگر به صورت کاغذی منتشر نمی شوند و عدم نشر کاغذی دلالت بر بی اعتباری این اسناد نمی کند؛ وانگهی ماده ۴ قانون ثبت اختراعات مصوب ۱۳۸۶ که در زمان صدور رای، مجری می بود<sup>۱</sup>، هرگونه انتشار کتبی یا شفاهی را از موجبات قرار گرفتن یک موضوع در قلمرو فن یا صنعت قبلی دانسته است و اطلاق این عبارت به گونه ای است که هر نوع انتشار اعم از کاغذی و الکترونیک را شامل می شود خصوصاً این که وقتی انتشار شفاهی، وصف جدید بودن اختراع را زائل می کند، بطریق اولی انتشار کتبی الکترونیک، همین اثر را خواهد داشت. همچنین در ماده مارالذکر، قانون گذار از افشا به هر طریق دیگر یاد کرده است که انتشار در نشریات الکترونیک نیز می تواند در دایره این عبارت قرار گیرد.

<sup>۱</sup> - این قانون توسط قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳ نسخ شد.

**پرونده دوم**، مربوط به دعوای آقای ر. د علیه خانم خ. س به خواسته اعلام فسخ قرارداد اجاره یک باب مغازه واقع در شهرستان اقلید-خیابان ارگمان و الزام مستاجر به تخلیه مورد اجاره است. در این دعوا، خواهان (موجر) اعلام داشته است که طبق ماده ۱۴ قرارداد اجاره فیما بین، در صورتی که مستاجر ظرف دو ماه متوالی، اجاره بها را نپردازد، موجر حق فسخ اجاره و الزام مستاجر به تخلیه عین مستاجره را دارد و مستاجر ظرف دو ماه اخیر، از تادیه اجور خودداری کرده است. مستاجر در مقام دفاع با ارائه دو فیش اخذ شده از دستگاه خودپرداز بانک پارسیان اعلام داشت که در دو ماه مدنظر موجر یعنی برجهای ۵ و ۶ سال ۱۴۰۰، مبالغ اجاره به شماره کارت اعلامی موجر واریز شده ضمن این که پرینت بانکی اخذ شده از بانک پارسیان نیز موید انتقال وجوه از حساب وی به حساب موجر است. شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی شهرستان اقلید استان فارس طی دادنامه مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ با عدم پذیرش دفاعیات مستاجر، رای به فسخ اجاره و الزام به تخلیه داد با این استدلال که «مستنبط از ماده ۱۳۰۱ قانون مدنی که مقرر می‌دارد امضایی که در روی نوشته یا سندی باشد بر ضرر امضاکننده دلیل است، باید گفت که در حقوق ایران، شرط مهم قابلیت استناد یک سند، داشتن امضا یا مهر است و از آن جا که دلایل ابراز خواننده دعوا شامل برگه واریزی عابر بانک و استعلام بانکی، فاقد هرگونه امضا یا مهر است و نوشته فاقد امضا یا مهر در حقوق ایران، سند محسوب نمی‌شود و خواننده نیز دلیل دیگری دال بر تادیه اجور ارائه نداده و در مواقع تردید، اصل نیز بر عدم تادیه است لذا خواسته خواهان را وارد تشخیص داده .....»

نقد جدی وارد بر استدلال دادگاه بدوی آن است که برداشتش از امضا یا مهر، امضا و مهر معمول کاغذی است در حالی که تجارت الکترونیک، امضاءهای جدید متناسب با اقتضائات فنی مختص محیط مجازی را می‌بایست مدنظر قرار می‌داد لذا بی آنکه اصل برابری فنی یا کاربردی را مطمح نظر قرار داده و امضائات الکترونیک را برابر با امضائهای معمول کاغذی یعنی خطوط کج و معوج در نظر بگیرد اساساً ادله ابرازی مستاجر را فاقد امضا دانسته است. مطابق بندی ماده ۲ قانون تجارت الکترونیکی: امضای الکترونیکی، عبارت از هر نوع علامت منضم شده یا به نحو منطقی متصل شده به «داده پیام» است که برای شناسائی امضاءکننده «داده پیام» مورد استفاده قرار می‌گیرد. این تعریف عام شامل

هر رمز یا عدد یا علامت یا نشانه است که به نحو منطقی به داده پیام متصل شده باشد. بنابراین دایره امضای الکترونیک از دایره امضای معمول کاغذی که محدود به خطوط است فراتر می‌رود (Hasanah, 2019-56-59) لذا وقتی مستاجر از دستگاه ای تی ام بابت واریز وجه از کارت خود به کارت ماجر استفاده می‌کرده، در حقیقت از امضای الکترونیک خود بهره برده و فیش کاغذی ای تی ام نیز حاوی امضای الکترونیک است زیرا مستاجر مانند هر صاحب کارتی می‌بایست رمز چهار رقمی خود را به دستگاه وارد می‌کرد تا دستگاه این امضای الکترونیک را با اطلاعات حساب شخص چک کند و بعد انتقال را انجام دهد. همچنین کارمند بانک که پرینت حساب بانکی را به مستاجر داده هر چند بر روی پرینت، امضا یا مهر بانک را نزده ولی نمی‌توان آن پرینت را فاقد امضای الکترونیک دانست زیرا کارمند برای دریافت پرینت می‌بایست ابتدا اطلاعات مشتری را دریافت کرده و با رمز یا همان امضای الکترونیک وارد حساب مشتری شده و دستور پرینت می‌داده است. بنابراین طبق اصل برابری فنی یا کاربردی باید گفت: هر دو نوشته ابرازی خوانده دعوا، دارای امضای الکترونیک بوده و این دو شند، دارای ارزش اثباتی برابر با نوشته های کاغذی دارای مهر یا امضای سنتی است و دادگاه می‌بایست بدانها توجه می‌کرد.

### بخش دوم) اصل لزوم توجه به عرفهای خاص محیط الکترونیک: همراه با نقد رای

مطابق این اصل، محیط الکترونیک دارای اقتضائات فنی خاص خود است که به تدریج تبدیل به عرفهای ویژه شده‌اند لذا در وضع یا تفسیر احکام حقوقی این محیط، باید به این عرفهای خاص توجه کرد در غیر این صورت، وضع قانون یا تفسیر احکام این محیط بر اساس اقتضائات محیط سنتی، منتج به نتیجه‌ای مخالف فلسفه تجارت الکترونیک و مغایر با قصد اشخاص درگیر با این محیط می‌شود.

اصل مزبور، بخوبی موید آن است که امروزه عرف به یکی از منابع مهم حقوق تجارت الکترونیک تبدیل شده است (Polanski; 2002, 165-205)؛ حتی برخی حقوق دانان آمریکایی بر این باورند که مشابه اصطلاح «لکس مرکانوریا یا عرفهای خاص تجار»<sup>۱</sup>، باید

<sup>۱</sup> -Lex Mercatoria.

قایل به اصطلاحی به نام «لکس انفورماتیکا یا عرفهای خاص محیط الکترونیک»<sup>۱</sup> باشیم که به صورت قانون نانوشته، بر روابط اشخاص درگیر با محیط الکترونیک حاکم بوده و با اقتضائات فنی و قصد خاص طرفین در استفاده از این محیط، سازگار است (E. Cohen: 2021, 1017; Mefford: 1997, 211-237).

در حقوق ایران، بررسی مواد قانون تجارت الکترونیکی نشان می‌دهد که این اصل مورد توجه قانون‌گذار بوده است. طبق بند ن ماده ۲ این قانون، برای احراز معقول بودن یا سنجش عقلایی، باید عرف و روشهای معمول در مبادلات الکترونیکی مورد توجه قرار گیرند.<sup>۲</sup> همچنین ماده ۳ همین قانون، لزوم توسعه هماهنگ با سایر کشورها و توجه به خصیصه بین‌المللی تجارت الکترونیک را به عنوان دو شاخص مهم در تفسیر قواعد تجارت الکترونیک معرفی کرده است که عرفهای مختص محیط مجازی جرو لاینفک اینها به شمار می‌آیند. با این حال در خصوص این اصل نیز شاهد صدور برخی آراء مغایر با عرفهای خاص این محیط هستیم که به ذکر دو نمونه رای بسنده می‌شود:

**پرونده نخست**، مربوط به دعوی میان آقای ب. ک علیه شرکت ل. ل است. موضوع این پرونده از این قرار است که شرکت ل. ل که یک شرکت تخصصی واردات و عرضه‌کننده دوربین محسوب می‌شود از طریق سایت خود تعدادی دوربین مدل DSLR کالن را برای فروش معرفی و عرضه کرد. آقای ک در تاریخ ۱۴۰۱/۲/۱۹ در سایت اینترنتی شرکت، متوجه این آگهی می‌شود که در تاریخ ۱۴۰۱/۱/۱۴ در سایت درج شده و طی آن: «دوربین مدل با قیمت ۵۷۸۲۰۰۰ تومان به فروش می‌رسد و خریداران می‌توانند بعد از ثبت الکترونیک سفارش، در تاریخی که برایشان پیامک می‌شود، جهت پرداخت ثمن و تحویل دوربین به آدرس شرکت مراجعه کنند». از آن جا که قیمت دوربینی با این مشخصات در بازار، ده برابر یعنی حدود ۵۷ میلیون تومان است، آقای ک از طریق سایت شرکت،

<sup>۱</sup> -Lex Informatica.

<sup>۲</sup> -طبق این بند: «معقول» (سنجش عقلانی)، با توجه به اوضاع واحوال مبادله «داده پیام» از جمله: طبیعت مبادله، مهارت و موقعیت طرفین، حجم مبادلات طرفین در موارد مشابه، در دسترس بودن گزینه‌های پیشنهادی و رد آن گزینه‌ها از جانب هر یک از طرفین، هزینه گزینه‌های پیشنهادی، عرف و روشهای معمول و مورداستفاده در این نوع مبادلات، ارزیابی می‌شود.»

اقدام به ثبت سفارش پانزده عدد دوربین با مدل فوق می‌کند و دو روز بعد برایش پیامک روز و ساعت مراجعه به آدرس شرکت می‌آید. زمانی که در روز معین شده برای پرداخت ثمن و تحویل ۱۵ عدد مبیع مراجعه می‌کند، حسابداری شرکت اعلام می‌کند که وی فیش واریز ۸۶۷۳۰۰۰۰۰۰ تومان را ارائه دهد و ۱۵ عدد دوربین را از انبار شرکت تحویل بگیرد. آقای ک اعلام کرد که طبق آگهی سایت، وی فقط ملزم به پرداخت ۸۶۷۳۰۰۰۰ تومان است و در حال حاضر، آمادگی پرداخت دارد. واحد حسابداری، با پیگیری از واحد انفورماتیک شرکت متوجه شد که چون آگهی مندرج در سایت توسط برنامه ماشینی شرکت، تهیه و درج شده بوده و در زمان تنظیم آگهی، اشتباهاً یک صفر کم نوشته شده بوده است، لذا قیمت واقعی هر دوربین، ۵۷۸۲۰۰۰۰ تومان بوده نه ۵۷۸۲۰۰۰ تومان. با این حال آقای ک اعلام کرد که چون قیمت اعلامی در سایت، زیر قیمت بازار بوده، وی این تعداد سفارش داده است وگرنه اگر قیمت درست سایت، همان قیمت عادی بازار است، وی انگیزه‌ای برای خرید نداشته است لذا توجیه شرکت، قابل قبول نیست. به دلیل عدم توافق، آقای ک از طریق وکیل، اقدام به طرح دعوا علیه شرکت به خواسته‌ی «الزام به تسلیم مبیع طبق قیمت اعلامی سایت شرکت به استناد بند ۳ ماده ۳۶۲ قانون مدنی» کرد؛ وکیل شرکت نیز در مقابل این دادخواست، دعوای تقابل به خواسته‌ی «اعلام بطلان معامله و ابطال سند الکترونیک ثبت سفارش انجام شده، به دلیل اشتباه طرفین عقد در ثمن معامله» اقامه کرد و شعبه سوم دادگاه عمومی شهرستان آباده به موجب دادنامه شماره ۱۴۰۲۱۲۳۹۰۰۰۸۸۳۱۴۲، حکم به بطلان دعوای خواهان اصلی و پذیرش دعوای خواهان تقابل داد با این استدلال که «طرفین در ثمن معامله مرتکب اشتباه اساسی شده‌اند و اگر این اشتباه نبود چه بسا خریدار حاضر به خرید نمی‌شد و ثمن جزو اوصاف اساسی مبیع بوده و مطابق مواد ۱۹۹ و ۲۰۰ قانون مدنی، اشتباه در خود موضوع معامله باعث خلل در بیع شده و آن را باطل می‌سازد. و چون طبق ماده ۳۶۵ این قانون بیع فاسد اثری در تملک ندارد، لذا مالکیتی برای خریدار ایجاد نشده تا بتواند دعوای الزام به تسلیم مبیع اقامه کند زیرا ماده ۳۶۲ قانون مزبور، تعهد بایع به تسلیم مبیع را از آثار بیع صحیح می‌داند نه بیع باطل.....»

مهمترین نقد وارد بر این رای آن است که دادگاه صادرکننده رای بدون عنایت به عرف خاص فضای مجازی، اشتباه در معامله را با خطای در معامله یکی در نظر گرفته است در حالی که در محیط الکترونیک این دو از یکدیگر منفک بوده و دارای آثار متفاوتی هستند. برای همین است که برای دو اصطلاح خطا و اشتباه، دو معادل انگلیسی مختلف استفاده شده است یعنی mistake برای اشتباه و error برای خطا.

اما تفاوت خطا و اشتباه در محیط الکترونیک آن است که خطا عبارت است از اشتباهی که به صورت فنی و ماشینی و بدون دخالت مستقیم انسان رخ می‌دهد و اشتباه عبارت است از تصور نادرستی که یکی از طرفین معامله دارد و کاملاً ناشی از عامل انسانی است (رضائی، رهبری: ۱۳۹۴، ۱-۳۳) در پرونده بالا، شرکت فروشنده در زمان درج آگهی، از طریق ماشین اقدام کرده و خطای ماشینی رخ داده و یک صفر بابت قیمت واقعی کالا کم گذاشته شده است. در عرف تجارت الکترونیک گفته می‌شود که وقتی خطای ماشینی رخ می‌دهد، اگر بنگاه ظرف مدت متعارف و در زمان معقول، این خطا را برطرف کند، آن خطا حکمی شبیه اشتباه داشته و از نظر حقوقی فروشنده پای‌بند به خطایش نیست اما اگر به‌رغم گذشت مهلت متعارف، خطا رفع نشده باشد، آن خطا دیگر دلیل موجه محسوب نمی‌شود و چون اصل امنیت در معاملات الکترونیک بسیار حائز اهمیت است و بنگاه به‌رغم داشتن فرصت کافی، اقدام به رفع خطا نکرده و مصرف‌کنندگان بدان اطلاعات اتکا کرده‌اند لذا بنگاه پای‌بند به خطای خود شده و در صورت قبول مشتری، باید قرارداد را با همان قیمت محترم شمارد. بنابراین تفاوت حقوقی خطا و اشتباه در این خلاصه می‌شود که معامله ناشی از اشتباه معتبر نیست ولی اگر در معامله، خطای ماشینی رخ دهد و ظرف مدت متعارف نسبت به اصلاح خطا اقدام نشود، بنگاه صاحب ماشین که خطای فنی را انجام داده پایبند به خطایش خواهد بود. بنابراین دادگاه صادرکننده نیز می‌بایست با عنایت به این که اشتباه مستقیم انسانی رخ نداده و خطای ماشینی در درج قیمت بروز کرده بود و از تاریخ درج آگهی در سایت تا زمان اصلاح، مدت زمان بسیار طولانی با توجه به فضای الکترونیک سپری شده بود می‌بایست دعوای خواهان اصلی را وارد و دعوای تقابلی را محکوم به بطلان می‌کردند نه برعکس.

ممکن است ایراد شود که رای دادگاه باید مستند به اصول و مواد قانونی باشد و دادگاه صادرکننده رای بالا، به فرض اعتقاد به تمیز خطا از اشتباه در تجارت الکترونیک می بایست برای این تفکیک، محملی قانونی در حقوق ایران پیدا می کرد در حالی که چنین تفکیکی در حقوق ما وجود ندارد. در مقام رفع این شبهه باید گفت: اولاً؛ مطابق ماده ۱۴ قانون تصویب معاهده (کنوانسیون) سازمان ملل متحد راجع به استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین المللی مصوب ۲۹ شهریور ۱۴۰۲ خطا در معاملات الکترونیک و تفاوت حکم حقوقی آن با اشتباه، در حقوق ما پذیرفته شده<sup>۱</sup> و هر چند مطابق بند ۱ ماده ۱ این قانون، دامنه شمول مقررات این قانون نظار به قراردادهای میان اشخاص با کسب و کار در کشورهای مختلف است<sup>۲</sup>، باین حال حکم تمیز خطا از اشتباه، خصوصیتی در قراردادهای الکترونیک بین المللی نداشته و در قراردادهای الکترونیک داخلی نیز قابل استناد است و چون این قانون در زمان طرح دعوا و صدور رای در کشور جاری بوده است لذا می شد بدان استناد جست؛ ثانياً؛ مطابق ماده ۳ قانون تجارت الکترونیک در تفسیر این قانون باید به خصیصه بین المللی و لزوم توسعه هماهنگی با سایر کشورها توجه کرد و تمیز خطا از اشتباه یکی از عرفهای خاص فضای مجازی است که در کشورهای مختلف پذیرفته شده است؛ ثالثاً؛ مطابق مواد ۲۲۰ و ۲۲۵ قانون مدنی<sup>۳</sup>،

<sup>۱</sup> - مطابق این ماده: «۱- در مواردی که شخص حقیقی، خطای ورودی در ارتباط الکترونیکی انجام می دهد که با سامانه پیام خودکار طرف دیگر مبادله شده است و سامانه پیام خودکار به آن شخص، فرصت تصحیح خطا را نمی دهد، آن شخص یا طرفی که آن شخص از سوی آن اقدام می کرده است، حق دارد تا از آن بخش از ارتباط الکترونیکی که خطای ورودی در آن رخ داده، اعراض کند، مشروط بر آن که: الف) شخص یا طرفی که آن شخص از سوی آن اقدام می کرده است، در اولین فرصت، پس از آگاهی از خطا، طرف دیگر را از خطا مطلع و بیان کند که خطایی در ارتباط الکترونیکی از طرف او صورت گرفته است. و ب) شخص یا طرفی که آن شخص از سوی آن اقدام می کرده است، از کالاها یا خدمات دریافت شده از طرف دیگر، در فرض وجود، نفع یا ارزش قابل توجهی نبرده یا تحصیل نکرده باشد. ۲ - هیچ یک از مفاد این ماده بر اعمال هر قاعده حقوقی که ممکن است بر پیامد های هر خطایی غیر از آنچه در بند ۱ پیش بینی شده، حاکم باشد، اثری نخواهد داشت.»

<sup>۲</sup> - بر اساس این بند: « این معاهده (کنوانسیون) در مورد استفاده از ارتباطات الکترونیکی در رابطه با شکل گیری یا اجرای قرارداد میان طرفهای قراردادی اعمال می شود که محل کسب و کار آنها در کشورهای مختلفی قرار دارد.»

<sup>۳</sup> - مطابق ماده ۲۲۰ قانون مدنی: « عقود نه فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح شده است ملزم مینماید بلکه متعاملین به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل میشود ملزم

طرفین قرارداد تابع عرف و عادات نیز هستند؛ چون تمیز خطا از اشتباه جزو عرفهای خاص قراردادهای الکترونیک است لذا طرفین باید از این عرف نیز تبعیت کنند بویژه این که بند ن ماده ۲ قانون تجارت الکترونیکی صراحتاً از عرفهای رایج و معمول در قراردادهای الکترونیکی یاد کرده است.<sup>۱</sup>

**پرونده دوم** مرتبط با اصل لزوم توجه به عرفهای خاص فضای مجازی، مربوط به دعوی خانم خ.ص علیه شرکت ا.س است. در این پرونده، خانم خ.ص برای خرید و سفارش دوازده تن سیمان، از طریق اسکایپ با نماینده مجاز شرکت ا.س وارد مذاکره شده و در انتهای مذاکره، شرکت قیمت نهایی فروش را به متقاضی خرید اعلام داشت اما قبل از قبول متقاضی، به دلیل مشکل اینترنت، ارتباط قطع شد و از آن جا که در اطلاعیه شرکت آمده بود که هرگونه مذاکره و تقاضا برای سفارش و خرید سیمان باید به صورت اینترنتی باشد نه حضوری و تلفنی، لذا متقاضی برای شش روز ناگزیر شد تا صبر کند و در ارتباط مجدد اسکایپی، به نماینده مجاز شرکت اعلام کرد که قیمت نهایی اعلام شده شرکت را می پذیرد اما در انتهای این مکالمه، نماینده شرکت بیان داشته است که اعتبار ایجاب قبلی منقضی شده و اگر وی تمایل به خرید دارد باید با قیمتهای جدید که ۱۵ درصد بیشتر از قیمت شش روز قبل است قرارداد ببندد که این امر مورد قبول متقاضی قرار نگرفت و چون طرفین با مذاکره به نتیجه نرسیدند و شرکت نیز به اظهارنامه ارسالی خانم خ.ص پاسخی نداد لذا وی در اقامتگاه شرکت در شیراز اقامه دعوی کرده که دادگاه بدوی دعوی اثبات وقوع بیع و الزام شرکت خوانده به تسلیم ۱۲ تن سیمان با قیمت و مشخص مشخص را پذیرفت اما شعبه ۹ دادگاه تجدیدنظر نظر استان فارس به موجب دادنامه شماره ۱۴۰۲۱۲۱۰۰۷۰۱۳۰۶۸۶ ضمن نقض دادنامه بدوی این گونه استدلال کرد: «مستنبط از ماده ۱۰۶۵ قانون مدنی، توالی ایجاب و قبول شرط صحت عقد است و مذاقه در اوراق پرونده و استماع توضیحات وکلای متداعیین بخوبی نشان می دهد که میان ایجاب و قبول شش روز فاصله افتاده که در ارتباطات الکترونیکی زمان بسیار زیادی تلقی

میباشند». همچنین طبق ماده ۲۲۵ این قانون: «متعارف بودن امری در عرف و عادت به طوری که عقد بدون تصریح هم منصرف آن باشد به منزله ذکر در عقد است».

<sup>۱</sup> - متن این بند در صفحات قبلی آمده است و از تکرار آن خودداری می شود.

می‌شود و شرط توالی در آن رعایت نشده نتیجتاً عقدی شکل نگرفته و پذیرش دعوای الزام به تسلیم مبیع، فرع بر وقوع بیع است که چنین بیعی واقع نشده؛ ضمن پذیرش تجدیدنظر خواهی، حکم به بی حقی خواهان بدوی صادر می‌شود....»

نقد وارد بر دادنامه مرحله تجدیدنظر آن است که ویژگی فنی خاص محیط الکترونیکی یعنی ریسک قطع شدن اینترنت نادیده گرفته شده است در حالی که در عرف تجارت الکترونیک، ارتباط مجددی که برقرار می‌شود ادامه جلسه قبلی است لذا توالی عرفی ایجاب و قبول همچنان رعایت شده است. اتفاقاً ریسک قطعی مرادادات الکترونیک مورد توجه قانون‌گذار ما نیز بوده و ماده ۷۸ قانون تجارت الکترونیکی، قطع فیزیکی ارتباط الکترونیکی را از معاذیر موجه محسوب کرده است. مطابق این ماده: «هرگاه در بستر مبادلات الکترونیکی در اثر نقص یا ضعف سیستم‌مؤسسات خصوصی و دولتی، به جز در نتیجه قطع فیزیکی ارتباط الکترونیکی، خسارتی به اشخاص وارد شود، مؤسسات مزبور مسؤول جبران خسارات وارده می‌باشند مگر این که خسارات وارده ناشی از فعل شخصی افراد باشد که در این صورت جبران خسارات برعهده این اشخاص خواهد بود». وانگهی، همان گونه که حقوق دانان شهیر ایران بیان داشته اند به طور کلی در هر قراردادی، مراد از توالی میان ایجاب و قبول به عنوان شرط صحت، توالی عرفی است نه توالی منطقی محض و فاصله بین قبول و ایجاب در هر معامله ای باید به اندازه ای باشد که عرف آن قبول را مربوط به ایجاب بداند (شهیدی: ۱۳۸۹، ۵۶؛ کاتوزیان: ۱۳۸۶، ۷۰). در نتیجه، قلمرو زمانی و مصداقی توالی ایجاب و قبول عقود الکترونیکی را باید در قالب عرفهای خاص محیط مجازی تفسیر و تحلیل کرد (خادمی: ۱۳۹۷، ۷۰۷-۷۳۰).

### بخش سوم) اصل تقدم معیار اعتباری بر معیار عینی: همراه با نقد رای

منظور از معیار اعتباری، معیاری است که دو طرف قرارداد میان خود تراضی و اعتبار می‌کنند و مراد از معیار عینی، معیاری است که مبتنی بر محیط فیزیکی و مرزهای عینی است. برای مثال، در حوزه تشخیص قانون حاکم و دادگاه صالح بر یک دعوای قراردادی، دو معیار می‌توان متصور بود: طبق معیار عینی، دادگاه صالح یا قانون حاکم، بر اساس شاخصهای فیزیکی مبتنی بر مرزها و مکانهای جغرافیایی تعیین می‌شوند نظیر قانون

حاکم و دادگاه صالح محل وقوع قرارداد، محل اقامت خواننده، محل اجرای تعهد قراردادی، محل وقوع مال و مانند آن. معیار دوم، معیار اعتباری است که بر پایه آن، متعاقدين با استفاده از حاکمیت اراده، دادگاه یا قانون خاصی را به عنوان دادگاه صالح یا قانون حاکم بر قرارداد، اعتبار می کنند صرف نظر از این که آن قرارداد واقعا با آن مکان جغرافیایی و عینی، ارتباط دارد یا خیر.

فلسفه وضع این اصل در محیط الکترونیک، صرف نظر از اصل احترام به حاکمیت اراده و آزادی طرفین - که پیش از این از اسناد بین المللی غیرالکترونیک نظیر ماده ۳-۱ کنوانسیون رم ۱۹۸۰ آمده بود (الماسی، شعبانی کندسری: ۱۳۹۶، ۹-۳۵) -، ناشی از پیچیدگیهای فنی محیط مجازی نسبت به محیط سنتی است برای مثال، در محیط سنتی، بسیاری از مسائل حقوقی از طریق معیارهای عینی یا فیزیکی حل و فصل می شود مثل تعیین محل انعقاد قرارداد بر اساس محل ارسال قبول یا محل وصول قبول؛ با این حال از آن جا که محیط الکترونیک، یک محیط بدون مرز است و تشخیص دادن محل جغرافیایی ارسال یا وصول قبول، بسیار دشوار است، لذا ابعاد پرونده مثل تعیین صلاحیت دادگاه یا تعیین قانون حاکم بر قرارداد، با دشواری بیشتری همراه است؛ مثال دیگر در حوزه مسؤلیت مدنی است که در محیط فیزیکی معمولا خسارت وارده، محدود به یک محیط جغرافیایی خاص است ولی در محیط الکترونیک، فعل زیان بار ممکن است همزمان باعث ورود خسارت مالی یا معنوی به صاحب حق در کشورهای مختلف جهان شود. به عبارت اخری، وقتی در دعاوی بین المللی، طرح مباحث حقوق بین الملل خصوصی شامل تعیین قانون حاکم و دادگاه صالح، به طور سنتی جزو پیچیدگیهای حقوقی پرونده های بین المللی بوده است، به طریق اولی در دعاوی الکترونیک که با محیط شبکه ای و بدون مرز و جهانی روبه رو هستیم، این پیچیدگی بیشتر و دو مرحله ای خواهد بود. لذا با عنایت به پیچیدگی حقوقی فوق، اصل تقدم معیار اعتباری بر معیار عینی ایجاد شده تا در راستای سهولت استفاده از تجارت الکترونیک و کمک به اصل سرعت، به متعاقدين این امکان را بدهد که در چارچوب قوانین آمره، بر مواردی مانند زمان عقد قرارداد، مکان عقد قرارداد، قانون حاکم، دادگاه صالح و مانند آن تراضی کنند.

قانون تجارت الکترونیکی ایران مصوب ۱۳۸۲ هر چند صراحتاً به این اصل اشاره نمی‌کند ولی می‌توان از مذاقه در برخی مواد این قانون، به‌طور ضمنی به پذیرش این اصل از سوی مقنن پی برد. مطابق ماده ۱۹: «داده پیامی که براساس یکی از شروط زیر ارسال می‌شود مخاطب حق دارد آن را ارسال شده محسوب کرده، و مطابق چنین فرضی (ارسال شده) عمل کند: الف - قبلاً به وسیله اصل‌ساز روشی معرفی و یا **توافق شده باشد** که معلوم کند آیا «داده پیام» همان است که اصل‌ساز ارسال کرده است...». بر اساس این ماده و قید «توافق شده باشد» می‌توان نتیجه گرفت که وقتی قانون‌گذار، به طرفین اجازه تراضی بر روی شیوه و ارسال داده پیام داده است و این دو، خصوصیتی ندارند، لذا امکان توافق بر روی نتایج ارسال داده پیام و فروع آن نظیر محل ارسال یا دریافت داده پیام و تبعاً محل وقوع عقد و ... نیز میسر شده است. بنابراین می‌توان گفت قانون‌گذار ما به‌طور ضمنی اصل تقدم معیار اعتباری بر عینی یا دست کم مهمترین نتیجه حقوقی آن را پذیرفته است. باین حال برخی آرای محاکم حقوقی ایران مخالف اصل مزبور صادر شده‌اند که در زیر به یک نمونه از آنها اشاره می‌شود:

یک شرکت تجارتي ایرانی به نام پ. خ. ش، قراردادی الکترونیکی با یک شرکت چینی به نام ی. ژ در خصوص خرید و ارسال یکصد و ده دستگاه پرینتر چهارکاره منعقد کرده و طرفین، قانون سنگاپور را بر قرارداد حاکم کردند. با توجه به عدم ارسال محموله از سوی فروشنده چینی، تاجر ایرانی در دادگاه ایران دعوای الزام به ایفای تعهد مطرح کرد و شعبه ۶ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان فردیس به موجب دادنامه مورخ ۱۴۰۲۰۱۳۹۰۰۳۷۶۳۲۶ ضمن رسیدگی به اصل خواسته، در خصوص شرط توافق بر قانون حاکم، چنین رای داد: «از آن جا که قرارداد مورد نظر یک قرارداد اینترنتی است و مطابق ماده ۳۰ قانون تجارت الکترونیکی، تعیین مکان وقوع قراردادهای این‌چنینی تابع قواعد عمومی است و در حقوق ایران، مکان وقوع عقد تابع مکان ارسال قبول به ایجاب کننده است و در این پرونده، ایجاب از سوی تاجر چینی در پکن و قبول از سوی خریدار ایرانی در شهرستان فردیس

ارسال شده لذا محل وقوع عقد اینترنتی، شهرستان فردیس ایران است و بر اساس ماده ۹۶۸ قانون مدنی، تعهدات ناشی از عقد تابع محل وقوع عقد (در این جا ایران) است مگر این که طرفین هر دو خارجی بوده و بر قانون دیگری تراضی کنند که استثنای اخیر تخصصاً از موضوع پرونده مابه النزاع خارج است زیرا یک طرف ایرانی دارد وانگهی با توجه به سکوت قانون تجارت الکترونیکی در مورد امکان تراضی بر قانون حاکم بر قرارداد اینترنتی، باید به قانون عام یعنی قانون مدنی و ماده ۹۶۸ آن مراجعه کرد که قاعده ای آمره محسوب می شود لذا شرط تعیین قانون سنگاپور، شرطی باطل و مطابق ماده ۶ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۹۷۵ قانون مدنی قابل ترتیب اثر دادن نیست؛ بناء علی هذا دادگاه بر اساس قانون ایران به عنوان قانون حاکم بر مکان وقوع قرارداد اینترنتی وارد رسیدگی به تعهدات قراردادی می شود.....»

چنان که ملاحظه می شود این رای از این رو قابل نقد است که دادگاه صادرکننده، معتقد به سکوت قانون تجارت الکترونیکی ایران و لزوم استناد به قانون عام مدنی است در حالی که ماده ۱۹ قانون تجارت الکترونیکی چنان که اشارت رفت حاوی تجویز ضمنی امکان تراضی بر قانون حاکم می باشد لذا دادگاه می بایست تراضی متعاقدين بر تعیین قانون سنگاپور را به عنوان معیار اعتباری می پذیرفت و وارد معیارهای عینی یعنی تعیین محل جغرافیایی وقوع عقد نمی شد بخصوص این که پذیرش اصل معیارهای اعتباری بجای عینی هم با اصل سرعت در تجارت الکترونیک و اقتضات این محیط سازگار است هم ماده ۳ قانون تجارت الکترونیکی اشعار می دارد که در مواقع تفسیر قانون باید به خصیصه بین المللی قانون و لزوم توسعه هماهنگی با سایر کشورها توجه کرد<sup>۱</sup> و امروزه

<sup>۱</sup> - مطابق ماده ۳: « در تفسیر این قانون همیشه باید به خصوصیت بین المللی، ضرورت توسعه هماهنگی بین کشورها در کاربرد آن و رعایت لزوم حسن نیت توجه کرد».

پذیرش معیار اعتباری جزو خصایص محیط الکترونیک به شمار می آید (Davydova, Olena Bernaz-Lukavetska, Tokareva, Andriienko, Tserkovna: 2021, 545-548)؛ امری که مدنظر قاضی محترم نبوده است.

### بخش چهارم) اصل حمایت از طرف ضعیف تر: همراه با نقد رای

منظور از طرف ضعیف تر، شخصی است که به دلیل اطلاعات یا توان اقتصادی کمتر، قدرت چانه زنی ندارد (Škarka: 2018, 8). از آن جا که یکی از رسالات حقوق، حمایت از طرف ضعیف تر برای برقراری تعادل قدرت میان طرف قوی تر و ضعیف تر است، لذا در قوانین کشورهای مختلف از جمله ایران، راهکارهایی برای تحقق این رسالت در نظر گرفته اند که بررسی این راهکارها موضوع این نوشتار نیست (اسدی، پارساپور، بادینی: ۱۳۹۷، ۳۹-۰۹). این اصل که از آن می توان به اصل حمایت از طرف ضعیف تر یاد کرد، در تجارت الکترونیک نیز جاری است و اهمیت اعمال آن از جهاتی بیشتر از محیط فیزیکی است زیرا محیط الکترونیک به دلیل ویژگیهای فنی خود نظیر داشتن تصاویر چند بعدی و عدم حضور طرفین قرارداد در یک محل جغرافیایی واحد و عدم بازرسی فیزیکی مورد قرارداد از سوی مصرف کننده، فاصله اطلاعاتی میان عرضه کننده را با مصرف کننده بیشتر از محیط فیزیکی می کند و لزوم حمایت از شخص کم اطلاعتر، بیش از پیش می شود چرا که عدم تقارن اطلاعاتی در محیط الکترونیک، بیشتر است.

در قانون تجارت الکترونیک ما، هر چند صراحتاً به این اصل مهم اشاره نشده ولی ذکر مصادیقی از آن، گویای پذیرش ضمنی این اصل در حقوق تجارت الکترونیک ایران است. برای مثال، ماده ۳۵ این قانون، بر ضرورت رعایت احوال افراد ناتوان و کودک در مراودات الکترونیک تاکید می کند؛ هم چنین ماده ۳۶، به مصرف کننده اختیار می دهد که ظرف یک هفته بتواند به هر دلیل، محصول را مسترد کند و فروشنده، امکان اسقاط این اختیار مصرف کننده و کاهش مهلت یک هفته ای را ندارد؛ ماده ۴۶ نیز درج شروط غیرمنصفانه را در قراردادهای الکترونیک به زیان مصرف کننده، غیرموثر دانسته است. به رغم وجود محمل قانونی فوق در حقوق ایران، گاه شاهد آرائی هستیم که مخالف اصل حمایت از طرف ضعیف تر است که به ذکر یک نمونه بسنده می شود:

آقای ب. خ اقدام به خرید شش محافظ وسایل برقی از یک پیچ اینستاگرامی متعلق به یک فروشگاه عرضه ادوات برقی کرده است که در یکی از پستهای این پیچ به مزایای این محافظ جدید اشاره شده بود. آقای ب. خ در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۴ اقدام به ثبت سفارش و خرید شش محافظ به مبلغ ۸۳ میلیون تومان کرده و ثمن معامله را واریز کرد و در همان روز محصولات را تحویل گرفته است. سه روز بعد یعنی در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۷ فروشگاه، پستی در پیچ خود گذاشته و نکات خاصی در خصوص برخی کاربردها و مسائل فنی و ایمنی محافظهای جدید تشریح کرد. در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۱۴ آقای ب. خ به فروشگاه اطلاع داد که به رغم سالم بودن محافظها و با وجود عدم استفاده از آنها، قصد استرداد آنها و پس گرفتن پولش را دارد ولی فروشگاه حاضر به این کار نشده است لذا خریدار اقدام به اقامه دعوی کرده و با استناد به ماده ۳۷ و بند ب ماده ۳۸ قانون تجارت الکترونیکی اعلام داشته است که وی ظرف یک هفته از تاریخ دریافت اطلاعات راجع به محصول (تاریخ درج پست در پیچ فروشگاه) حق انصراف از معامله و استرداد پول را داشته ولی فروشنده این حق را برای وی به رسمیت نمی شناسد. صاحب فروشگاه در مقام دفاع اعلام کرد که این فروشگاه برای تمامی مصرف کنندگان خود، حق انصراف را قایل است باین حال مدت استفاده از این حق، برای خواهان این دعوی منقضی شده است زیرا بند ب ماده ۳۸ قانون تجارت الکترونیکی، آغاز مهلت یک هفته ای حق انصراف را از زمان ارائه اطلاعات لازم از سوی عرضه کننده به مصرف کننده دانسته است و خواهان این دعوا در تاریخ ۱۳۹۹-۲-۴ اقدام به خرید و تحویل کالا کرده است و یک روز بعد یعنی ۱۳۹۹/۲/۵ از طریق یک استوری، تمامی اطلاعات لازم در خصوص نحوه استفاده، نکات فنی و ایمنی خاص این محصول جدید برای همه مصرف کنندگان تشریح شده است و سپس فروشگاه، در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۷ یک پست نیز به این موضوع اختصاص داد. لذا مبداء زمانی شروع مهلت یک هفته ای مصرف کننده، از زمان نخستین ارائه اطلاعات (اطلاعات عرضه شده در استوری مورخ ۱۳۹۹/۲/۵) است ولی مصرف کننده، اشتبهاً تاریخ پست اینستاگرامی که حاوی همان اطلاعات استوری بوده و اطلاعات جدید و متفاوتی نداشته (مورخ ۱۳۹۹/۲/۷) را ملاک محاسبه مهلت هفت روزه خود قرار داده است. هر چند شعبه دوم دادگاه رودهن، در دادنامه بدوی، استوری را ابزار مناسب ارائه اطلاعات به مصرف کننده

ندانسته و حق فسخ را برای خواهان قایل شد اما شعبه ۱۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران طی دادنامه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۹ ضمن نقض دادنامه بدوی، خواهان بدوی را محکوم به بی حقی کرد با این استدلال که «مستندا به ماده ۳۶۷ قانون مدنی، تسلیم مبیع زمانی محقق می‌شود که مشتری متمکن از انحاء تصرف و انتفاع از مبیع باشد. برای تحقق این منظور، بایع متعهد به ارائه اطلاعات عرفی لازم مثل نحوه استعمال از کالا است و ارائه اطلاعات، جنبه طریقییت دارد نه موضوعیت و ماده ۳۴ قانون تجارت الکترونیکی نیز در حکمی کلی، تامین کننده را ملتزم به ارائه اطلاعات لازم دانسته است. در پرونده مانحن فیه نیز چون متداعیین به ارائه اطلاعات در قالب استوری اذعان داشته اند و در زمان اعمال فسخ از سوی تجدیدنظر خوانده، فسخ زایل شده بوده است لذا حقی برای مشارالیه باقی نمانده بود که بتواند قرارداد را فسخ کند بعلاوه، فسخ امری استثنایی است و در مواقع تردید، باید به اصله اللزوم و عدم امکان فسخ نظر داشت.»

رأی دادگاه تجدیدنظر، از این حیث قابل نقد است که در تفسیر ابزار ارائه اطلاعات به مشتری، باید اصل حمایت از طرف ضعیف تر در نظر گرفته می‌شد. به عبارت دیگر وقتی تردید داریم که استوری باعث رفع مشکل عدم تقارن اطلاعاتی میان عرضه کننده و مصرف کننده می‌شود یا پست اینستاگرامی، اصل فوق اقتضا می‌کند که استوری را ابزار مناسبی برای اطلاع‌رسانی کارآمد به مصرف کننده در نظر نگیریم. آن چه این استدلال را تقویت می‌کند، ماده ۳۵ قانون تجارت الکترونیکی است که اوصاف اطلاعات را بخوبی بیان می‌دارد. مطابق این ماده: «اطلاعات اعلامی و تأییدیه اطلاعات اعلامی به مصرف کننده باید در واسطی با دوام، روشن و صریح بوده و در زمان مناسب و با وسایل مناسب ارتباطی در مدت معین و براساس لزوم حسن نیت در معاملات و از جمله ضرورت رعایت افراد ناتوان و کودکان ارائه شود.» مستنبط از مفهوم مخالف این ماده باید گفت: وقتی اطلاعات اعلامی باید در یک واسط با دوام باشد در حالی که استوری، یک واسط موقتی و بیست و چهارساعته است که احتمال عدم اطلاع مشتری از مفاد استوری، بیش از احتمال اطلاع وی است، لذا استوری نمی‌تواند در دایره واسطهای مدنظر مقنن در ماده ۳۵ قرار گیرد در نتیجه اطلاعات عرضه شده در استوری، اوصاف قانونی را نداشته و در حکم عدم اطلاع

رسانی است در نتیجه مهلت قانونی مشتری برای اعمال فسخ، از تاریخ درج پست اینستاگرامی شروع می‌شده و نه از تاریخ درج استوری.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## نتیجه‌گیری

از آن‌چه در این مقاله آمده است، این نتایج حاصل می‌شود که:

۱- بهره‌گیری از اصول کلی حقوقی در وضع قوانین، تفسیر مقررات و صدور آرای قضایی مرتبط با حوزه تجارت الکترونیک، علاوه بر مزایای عمومی اصول حقوقی، دارای این مزیت خاص است که به دلیل پویایی فراوان این حوزه و لزوم به روز بودن مقررات و غیرممکن بودن اصلاح و تکمیل و وضع هر روزه مقررات، استناد به اصول می‌تواند ما را در تکمیل خلا قانون یا تفسیر قانون موجود متناسب با نیازهای روز کمک کند.

۲- اصول کلی حقوقی حاکم بر تجارت الکترونیک، در نظامهای حقوقی مختلف پذیرفته شده‌اند همچنان که مذاقه در قانون تجارت الکترونیکی ایران نیز نشان می‌دهد که چهار اصل مطروحه در مقاله، صریحاً یا ضمناً یا مصداقاً مورد پذیرش قانون‌گذار قرار گرفته‌اند.

۳- قضات محترم دادگستری در مواجهه با دعاوی الکترونیک می‌توانند برای رفع سکوت یا ابهام یا اجمال یا تعارض قوانین، از این اصول بهره‌گیرند بویژه این که اصل ۱۶۶ قانون اساسی، اجازه استناد قضات به اصول را می‌دهد؛ ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی نیز استناد دادرسان به اصول حقوقی را تجویز می‌کند ضمن این که ماده ۳ قانون تجارت الکترونیکی به لزوم تفسیر قانون بر اساس خصوصیت بین‌المللی و ضرورت توسعه هماهنگی میان کشورهای در کاربرد آن تاکید و تصریح می‌کند و یکی از ابزارهای توجه به این دو شاخص در تفسیر قانون تجارت الکترونیک، توجه قضات محترم به اصول کلی حقوقی مذکور در مقاله است خصوصاً این که اصول مورد مطالعه مغایرتی با موازین قانونی و مبانی حقوق ایران ندارند.

۴- از آن‌جا که در ۴۴ رای از ۵۰ آرای مورد مطالعه برای تالیف این پژوهش، دادنامه‌های اصداری با اصول مزبور مغایرت آشکار دارند (۸۸ درصد) که می‌تواند ناشی از بی‌اطلاعی یا کم‌اطلاعی یا بی‌توجهی یا کم‌توجهی قضات ارجمند به اصول مزبور باشد، در پایان پیشنهاد می‌شود که تفاهم‌نامه‌ای میان پژوهشکده حقوق و قانون و قوه قضائیه منعقد شده و برای قضات گرامی، دوره‌های آموزشی کاربردی در خصوص اصول حقوق تجارت الکترونیک و نحوه اعمال آن در پرونده‌ها طراحی و برگزار شود.

## فهرست منابع

### الف - منابع فارسی

- ۱- اسدی، عباس، پارساپور، محمدباقر، بادینی، حسن، (۱۳۹۷)، «حمایت از طرف ضعیف قرارداد از طریق حقوق اساسی»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال ششم، شماره بیست و سوم، صص ۹-۳۹.
- ۲- الماسی، نجاد علی، شعبانی کندسری، هادی، (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی محدودیتهای طرفین در انتخاب قانون حاکم»، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۵۶، بهار و تابستان، صص ۹-۳۵.
- ۳- خادمی کوشا، محمد علی، (۱۳۹۷)، «شرط توالی در قراردادهای الکترونیکی»، مجله پژوهشهای فقهی، دوره ۱۴، شماره ۳، مهر، صص ۷۰۷-۷۳۰.
- ۴- رضائی، علی؛ رهبری، ابراهیم، (۱۳۹۴)، «نحوه تحقق خطا و تمایز آن از اشتباه در محیط مجازی و اثر آن در انعقاد قراردادهای الکترونیکی با مطالعه تطبیقی حقوق ایران، آمریکا، کانادا، اتحادیه اروپا و عهدنامه ارتباطات الکترونیکی آنسیترال (۲۰۰۵)»، فصلنامه دیدگاههای حقوق قضائی، دوره ۲۰، شماره ۷۰ - شماره پیاپی ۷۰، شهریور، صص ۱-۳۳.
- ۵- شهیدی، مهدی، (۱۳۸۹)، حقوق مدنی ۳ (تعهدات)، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات مجد.
- ۶- صادقی، محسن، (۱۳۹۴)، اصول حقوقی و جایگاه آن در حقوق موضوعه، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- ۷- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۶)، اعمال حقوقی، چاپ دوازدهم، تهران، شرکت سهامی دراک.
- ۸- نوری، سید مسعود، (۱۳۸۴)، «اصول حقوقی تجارت الکترونیک با تاکید بر قانون تجارت الکترونیک ایران»، مجله حوزه و دانشگاه، سال یازدهم، شماره ۴۴، پاییز، صص ۱۰۷-۱۳۰.

### ب- منابع انگلیسی

- 9-E.Cohen,Julie " From Lex Informatica to the Control Revolution", *Berkeley Technology Law Journal*, Vol. 36, No. 3, 2021, Pp. 1017; Mefford, Aron (1997) "Lex

Informatica: Foundations of Law on the Internet," *Indiana Journal of Global Legal Studies*: Vol. 5, pp. 211-237.

10 -Hetty Hasanah, "Legal Aspects of the Digital Signature in E-Commerce Connected to Law Number 19 Year 2016 about Amendments to Law Number 11 Year 2008 about Information and Electronic Transactions", *Advances in Social Science, Education and Humanities Research, volume 391, International Conference on Business, Economic, Social Science, and Humanities - Humanities and Social Sciences Track (ICOBEST-HSS 2019)*, pp. 56-59.

11-Iryna Davydova , Olena Bernaz-Lukavetska , Vira Tokareva , Iryna Andriienko , Olena Tserkovna, "Freedom of contract in the digital age and its implementation in modern technologies: theory and practice", *IJCSNS International Journal of Computer Science and Network Security*, VOL.21 No.12, December 2021, pp. 545-548.

12 - John A. Rothchild, *Research Handbook on Electronic Commerce Law*, Edward Elgar Publication, 2016

-Przemyslaw Polanski, "A new approach to regulating internet commerce : Custom as a source f electronic commerce law", *Electronic Communication Law Review*, 9(3), January 2002, pp.165-205.

13- Škarka, Adam, *Protection of weaker party in the EU case law*, Masaryk University, Faculty of Law Law and Legal Science Department of Civil Law, 2018, p.8.

## References

- 1-Almasi Nejad, Ali; Shabani Kandesari, Hadi. "A Comparative Study of the Parties' Limitations in Choosing the Governing Law." *International Legal Journal*, No. 56, Spring and Summer 2017, pp. 9-35. (in persian)

- 2-Asadi, Abbas; Parsapour, Mohammad Bagher; Badini, Hassan. "Protection of the Weaker Party in Contracts through Constitutional Law." Private Law Research Quarterly, Vol. 6, No. 23, Summer 2018, pp. 9-39. (in persian)
- 3-Darvishzadeh, Mohammad. "Legal Evolution Through Technological Advancements in Contract Law: A Case Study of Electronic Attorney-Client Agreements" Journal of Research and Development in Private Law, No. 3, September 2025, pp. 90-114. (in persian)
- 4-E.Cohen, Julie "from Lex Informatica to the Control Revolution", Berkeley Technology Law Journal, Vol. 36, No. 3, 2021, Pp. 1017;
- 5-Hetty Hasanah, "Legal Aspects of the Digital Signature in E-Commerce Connected to Law Number 19 Year 2016 about Amendments to Law Number 11 Year 2008 about Information and Electronic Transactions", Advances in Social Science, Education and Humanities Research, volume 391, International Conference on Business, Economic, Social Science, and Humanities - Humanities and Social Sciences Track (ICOBEST-HSS 2019), pp. 56-59.
- 6-Iryna Davydova, Olena Bernaz-Lukavetska, Vira Tokareva, Iryna Andriienko, Olena Tserkovna, "Freedom of contract in the digital age and its implementation in modern technologies : theory and practice", IJCSNS International Journal of Computer Science and Network Security, VOL.21 No.12, December 2021, pp. 545-548.
- 7- John A. Rothchild, Research Handbook on Electronic Commerce Law, Edward Elgar Publication, 2016
- 8-Katouzian, Nasser. Legal Acts, 12th Edition, Tehran : Derak Publishing Co., 2007. (in persian)
- 9-Khademi Kousha, Mohammad Ali. "Sequential Conditions in Electronic Contracts." Journal of Jurisprudential Research, Vol. 14, No. 3, October 2018, pp. 707-730. (in persian)
- 10-Mefford, Aron (1997) "Lex Informatica: Foundations of Law on the Internet," Indiana Journal of Global Legal Studies : Vol. 5, pp. 211-237.
- 11-Noori, Seyed Masoud. "Legal Principles of E-Commerce with Emphasis on the Iranian E-Commerce Act." Hawzeh and University Journal, Vol. 11, No. 44, Autumn 2005, pp. 107-130. (in persian)

- 12-Przemyslaw Polanski, "A new approach to regulating internet commerce : Custom as a source f electronic commerce law", *Electronic Communication Law Review*, 9(3), January 2002, pp.165-205.
- 13- Rafiei, Mohammad Reza; Saadati Cheshmghan, Amir Hossein. "Tools of Interpretation in Certain Binding Precedent Decisions Rendered by the Supreme Court, in the Light of Teachings of the American Legal System", *Research and Development in Comparative Law*, Vol. 7, No. 22, July 2024, pp. 100-130. (in persian)
- 14-Rezaei, Ali; Rahbari, Ebrahim. "Realization of Error and Its Distinction from Mistake in Virtual Environments and Its Impact on Electronic Contract Formation : A Comparative Study of Iranian, American, Canadian, EU Law and the UNCITRAL Electronic Communications Convention (2005)." *Judicial Legal Perspectives Quarterly*, Vol. 20, No. 70, September 2015, pp. 1-33. (in persian)
- 15-Sadeghi, Mohsen. *Legal Principles and Their Status in Positive Law*, 2nd Edition, Tehran: Mizan Publishing, 2015. (in persian)
- 16-Shahidi, Mehdi. *Civil Law III (Obligations)*, 14th Edition, Tehran: Majd Publishing, 2010. (in persian)
- 17- Škarka, Adam, *Protection of weaker party in the EU case law*, Masaryk University, Faculty of Law Law and Legal Science Department of Civil Law, 2018, p.8.